

قدرت: برای اینکه حکمها فقط روی کاغذ نباشد و بصورت بند و اندرز صرف در نیاید که ضامن اجراء نداشته باشد.

مسئولیت: یعنی وجدان و نوعی تعهد که حکم قاضی ناشی از غرور و جاه طلبی یا تمایلات سیاسی و گروهی یا شخصی نباشد.

و اینها عالیترین و اساسیترین شروط برای يك قاضی در جهان امروز است و در قوانین مدنی امریکا، انگلستان، فرانسه، سوئیس، آلمان، بلژیک، هلند و حتی کشورهای کمونیستی بیش از چند شرط از شرایط مذکور، دیده نمیشود.

گفتیم که اسلام با موشکافی و دقت لازم برای انتخاب قاضی شرایط مخصوص قائل شده است و دستورات اخلاقی خاصی نیز به او داده است. و او را از هر نوع ظلم و جور باز داشته است.

امام صادق (ع) فرمود: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْقَاضِي مَالِهِ يَجْرُفُ إِذَا جَارَتْ خَلْقِي اللَّهُ عَنْهُ وَلِزِمَهُ الشَّيْطَانُ** خدا همواره با قاضی و او را در حمایت خود دارد تا وقتی که به ظلم و جور آلوده نشده باشد، وقتی که ستم کرد خداوند او را بحال خود وامی گذارد و او همواره ملازم شیطان خواهد بود.

شرایط ویژه قاضی که در کتب فقه و حدیث بیان شده است بقرار زیر است.

۱- بالغ بودن - عاقل بودن، عدالت، اجتهاد مطلق، مرد بودن، مسلمان راستین بودن - حلال زاده بودن، دارای نیروی ضبط و حافظه قابل اطمینان داشتن و فراموشی و نسیان نداشتن، بینا بودن و کور نبودن، قدرت بر کتابت و نوشتن داشتن و در صورت امکان داناترین اهل بلد و منطقه در این زمینه بودن. (۱)

اینها شرایطی است که يك قاضی باید داشته باشد تا بتواند از طرف حکومت اسلام متصدی منصب قضاوت شود، و نیز بتواند اموال و نفوس، اعراض و نوامیس مردم را در اختیار گیرد.

درباره هر يك از شرایط فوق به تفصیل بحث خواهیم کرد تا روشن شود که سز و فلسفه هر يك از این شرایط چیست و چرا در باره آنها، آنهمه سفارش و تأکید لازم شده است.

(ادامه دارد)

۱- وسایل الشیعه کتاب قضاء صفات قاضی، کتاب قضاء و شهادات مرحوم آشتیانی گفته.

صورت انقلاب فرهنگی و تحول اداری در برنامه‌های آموزشی و اداری حوزه‌های علمیه



سخن از برنامه‌های تحصیلی طلاب و دانشجویان علوم دینی بود دوره‌های سه‌گانه - مقدمات - سطح - خارج - بصورت مفصل شرح داده شد اکنون در روند تکاملی انقلاب و در رویارویی با مسائل و خواستها و مشکلات روز احساس کمبود و نقض در راه تأمین نیازهای ضروری جامعه اسلامی بالعیان در آن برنامه‌ها بچشم می‌خورد یکی: از جنبه برنامه‌های تحصیلی و دیگر از نظر اداری و بافت فرهنگی و سیاسی آن.

حوزه علمیه قم کانون بزرگ آموزشی مملکت است که سابقه تاریخی و مبارزات ممتد و ارشادهای گسترده آن، ایجاب می‌کند که این پایگاه عظیم و این دژ محکم از نظر تحصیلات و برنامه‌ریزیهای آن چنان از تنوع تحصیلات و تعدد رشته‌های علوم برخوردار باشد که بتواند نیازهای روحی و فرهنگی جامعه را اشباع کند تجرد بر روی کتابهای

قدیمی و منحصر ساختن دروس حوزه علمیه به چند رشته محدود نه تنها رسالت واقعی حوزه را دچار نوسان و اضطراب می‌سازد بلکه خود بخود آن را به انزوا و ترک متن جامعه سوق میدهد.

* * *

امروز دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحصیل در حجره‌های تنگ و تاریک و نمناک و غمناک نمی‌تواند امتیاز مشخص طلاب قرار گیرد بلکه احیای فرهنگ وسیع و غنی اسلامی و بالابردن سطح ارزش آن، در جوامع صنعتی و ماده‌گرا می‌تواند امتیاز و فضیلت بشمار آید آنچه‌آن که روزی انزوا و ترک جامعه مسموم و منتهط و آلوده‌نشدن با مسائل سیاسی روز فضیلت بشمار می‌آید.

از جهت دیگری که نگرش بر حوزه‌های علمی ضرورت پیدا میکند از نظر بعد سیاسی و اجتماعی آن است.

سالهای رنج‌آور و دردآلودی بر حوزه علمیه و دانشگاه گذشت که دستهای استعمارگران با کمال قدرت و وضوح بر صحنه دانشگاه و حوزه حکمفرما بود ایادی استعمار دانشجویان را بردونوع: قدیم، جدید، دانشجوی، طلبه تقسیم می‌نمود و هر دو را در برابر هم قرار میداد و کانال وسیع و حفره دهشتناکی میان آن دو حفرنموده بود که تلاش وسیع و گسترده‌ای می‌خواست که این فاصله را برسازد.

ضرورت دارد علاوه بر ایجاد روابط دوستانه میان این دو قشر ارزنده که هر دو هدف واحدی را تعقیب می‌کنند با تشکیل سهینارها و ایجاد انجمن‌های تحکیم وحدت و برقرار ساختن حسن روابط دوستانه میان این دو عنصر و در صورت گیرد در متن کتابهای درسی و در انتخاب موضوعات درسی نیز ترتیبی داده شود که اشتراک فرهنگی و وحدت ارزشها بوجود آید و عملاً در مطالعه و بررسی از وحدت و یگانگی مفاهیم درسی برخوردار شوند اتحاد و اجتماع حوزه و دانشگاه هم در راه تداوم انقلاب اسلامی وهم در حفظ وحدت و تشکل نیروهای مملکتی لازم و ضروری است غفلت از این امر اعطای فرصت مناسب به ضدانقلاب و فرصت طلبان و پیروان نرهنگهای اجنبی در داخل کشور است و این امر هرگز به آسانی قابل جبران نیست.

انتظار می‌رود که حوزه علمیه برنامه‌های تزکیه و تربیت خود را وارد دانشگاه کند و دانشگاه علوم جدید را به ارمغان حوزه علمیه بیاورد و

هردوی آنها در برپائی جامعه انقلابی بر اساس معیارهای پرارزش اسلام
کوشا گردند.

در شرایطی که سخن از نزدیک شدن روشنفکران به روحانیون و حوزه‌های علمیه
بدانشگاه‌های رود یکی از بهترین وسایل این تقریب و تفاهم آشنائی عموم بویژه روشنفکران
با برنامه‌ها و مواد درسی و شیوه تدریس در حوزه‌های دینی است.

* * *

سینار دانشگاهها و حوزه‌های علمیه گامی در بازشناسی نسلها

استعمار و استعمار ملت ما را از هم جدا ساخت بذره‌های نفاق و تفرقه را در دل‌های
ما پاشید و همه را مشغول بافت‌های انکار خویش نمود تا خود مشغول بهره‌گیری بفتح
خویشتن باشند. برده دری و وقاحت را بجائی رساندند که گروه متشکل دانشجویان کشور
را به دو گروه دانشجوی دانشگاه و طالب علوم حوزه های علمی تقسیم بندی کردند و
با این کار هایل عظیم و دیوار بلند بالائی میان آن دو گروه بوجود آوردند تا همدیگر را نبینند
و صدای یکدیگر را نشنوند و زبان همدیگر را نفهمند حال آنکه هر دو در و راه این برده‌ها
دانشجو بودند و طالب علم و پژوهشگر دانش و جویناگر علوم....

علم و دانش چراغی است که همه را بیکسو هدایت می‌کند و بیک جهت سوق میدهد
خواه ریاضی باشد یا طبیعی، اقتصادی یا اجتماعی، روانشناسی باشد یا دینی و معنوی مگر
جز این است که در اسلام تحصیل همه این علوم جزو وظایف و فرایض و واجب کفائی
تعیین شده‌اند که همه مسلمانان مکلفند در راه تحصیل این علوم در حد رفع نیازمندی‌های
جامعه متکامل اسلامی بکوشند و گام بردارند تا خود را از دیگران و بیگانگان اعم از شرق
و غرب بی‌نیاز سازند.

یکی از آفتهای خطرناک برای پیشرفت و توسعه يك آئین و یا يك کشور ظهور و بروز
اختلاف و هزاکندگی در میان پیروان آن آئین است بویژه در بین نسل جوان و تحصیل کرده که
نسل آفریننده و سازنده کشور است.

میدانیم مهمترین سنگری که استعمارگران همواره در پی تصرف و نفوذ در آن هستند
سنگر دانشجویان، دانش پژوهان و طالبان علم و اندیشه است که با بر خور داری از معرفت
و خودشناسی هر نوع تهاجم و تاراج را درهم می‌کوبند و چونان سدی عظیم در برابر یغماگران
می‌ایستند.

* * *

طلاب علوم دینی :

دانشجویان علوم دینی، پژوهشگرانی هستند که در حجه‌های تنگ و تاریک و گاهی با محدودیت‌ها و فشارهای سنگینی زندگی می‌کنند و در راه تکامل خویش و تکمیل معلومات گام بر میدارند و با کمال علاقه و ایمان بدون در نظر گرفتن مدرک و درجه و مقام، بهترین دوران عمر خود را در راه خدا و در راه گشودن میهمات و باز کردن مشکلات جاری و مسائل دیگران صرف می‌کنند که از میان آنان شخصیت‌هایی همانند بوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فارابی، شیخ بهائی، صدر المتألهین شیرازی، علامه نائینی، سید حسن مدرس، آیه‌الله مطهری، آیه‌الله طالقانی و کسان دیگری برخاسته‌اند که همگی مفاخر علم و ادب و فقه و حکمت هستند که بقول یکی از نویسندگان معروف اسلامی، افرادی که تاکنون امضای آنان پای هیچ قرارداد ننگین خارجی دیده نشده است چرا که ذاتاً و فطرتاً مستغنی و آزاده‌اند. دوران دانشجویی علوم اسلام دوران سازندگی و دوران آراستگی بفضائل و کمالات علمی و معنوی است که از دیدگاه يك طلبه واقعی لذتی بالاتر و والاتر از ریاضتها و رنج‌های دوران تحصیل وجود ندارد و در آن برهه از دوران تحصیل «این الملوك و ابنا- الملوك» را سرمیدهند.

دانشجویان دانشگاهها :

از سوی دیگر جوانان باک و رزمنده و انسان‌های بی‌آلایش و بی‌تکلفی که در دانشکده‌ها در کمال صفای قلب و پاکی طینت به عزم خدمت به میهن و سرافرازی و سربلندی مردم این سرزمین در کمک به محل مشکلات طب، کشاورزی، اقتصادی، صنعت گام برمی‌دارند تا از این رهگذر راهنما و چراغدار هم‌نوعان خود باشند و با متعالی ساختن سطح دانش کشور خود و میهن خود را از اوپس مانده‌های سردمداران جهان‌تغوار بین‌المللی بی‌نیاز سازند.

بس با شناختی که از این دو گروه داریم با استثنای شذوذ و نوادری که در هر جامعه می‌توان سراغ داشت بسیار شگفت‌انگیز است اگر ببینیم که آنان، از یگانگی و همبستگی غفلت ورزند و در این لحظات از تعاطی نیروهای خویش دریغ نمایند.

تلاشها و کوشش‌های سمینار وحدت دانشجویان و طلاب با الهام‌گیری از توجیحات و ارشادات رهبر انقلاب و مراجع عالی‌قدر تقلید که همیشه در راه وحدت

مکتب اسلام

و اتحاد گام برمی دارند و همواره توصیه ها و فرمان ها در راه وحدت و یگانگی دارند يك پیشنهاد سازنده و اصیل و انسانی و اسلامی است بویژه در این شرایط حساس تاریخی که جامعه اسلام و میهن عزیز ما بیش از هر چیز به اتحاد و اتفاق نیازمند است .

نگارنده ناتوان بعنوان فردی که تا حدود شناختی از هر دو گروه دارد و درخیل دانش پژوهان علوم اسلامی گام نیز برمی دارد تشکیل سمینار مستمری از این دو گروه را ضروری و حیاتی میداند و آنرا گامی مثبت در طریق سازندگی کشوری شناسد .

انتظار این است که دولت و مسئولان امور تسهیلات تشکیل چنین برخوردها و تلافی افکار دو گروه از طبقات سازنده کشور را فراهم سازند تا نهالهای محبت و مودت و وحدت در قلوب نسل بارور ما شکوفا گردد و جامعه ما ضمن خودشناسی و بازگشت به اصل خویشتن در ساخت آینده ای پر شکوه و پر ثمر توفیق یابد . به امید آن روز

* * *

بقیه از صفحه ۲۵

میپذیرد و چنین میگوید:

رب اغفر لی و لخی و ادخلنا فی
رحمتک و انت ارحم الراحمین (اعراف
۱۵۱) .

« پروردگارا، من و برادرم را به امروز
و ما را داخل رحمت خویش گردان و تو
ارحم الراحمینی » .

این خود شاهدهی دیگر است که

مستضعفان به دو گروه آگاه و ناآگاه، و
آگاهان نیز به دو گروه سازشکار و مبارز
تقسیم می شوند ناآگاهان، کیفری ندارند،
آگاهان متعهد به پاداش ، و آگاهان
سازشکار به کیفر می رسند، بدیهی است که
قرآن، با طرح اینگونه مطالب و مسائل
اجتماعی ، گامی مؤثر در راه تداوم-
بخشیدن همه زمینه های ضد استکبار برداشته
است .

آمارگیری از مسلمانان بدستور پیامبر

در سال های اول ظهور اسلام، روزی پیامبر اسلام (ص) دستور داد تعداد
مسلمانان را نوشته به آن حضرت بدهند ، مسلمانان را شمرند ، تعدادشان
به هزار و پانصد نفر رسیده بود

(سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۲۶۴)